

جایگاه امنیت
در سیاست کیفری ایران

دکتر عباس جعفری دولت آبادی

سرشناسه	: جعفری دولت‌آبادی، عباس، - ۱۳۳۶
عنوان و نام پدیدآور	: جایگاه سیاست در امنیت کیفری ایران / عباس جعفری دولت‌آبادی.
مشخصات نشر	: تهران، فکرسازان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۶۰-۱۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: امنیت ملی - ایران - سیاست دولت
موضوع	: National security -- Government policy -- Iran
موضوع	: اجرای عدالت کیفری -- ایران -- جنبه‌های سیاسی
موضوع	: Criminal justice, Administration of -- Political aspects -- Iran
موضوع	: امنیت ملی - قوانین و مقررات - ایران
موضوع	: National security-- Law and legislation-- Iran
موضوع	: جرایم علیه امنیت عمومی - ایران
موضوع	: Offenses against public safety -- Iran
رده‌بندی کنگره	: ۳۹۵ ج ۷ "ف" ۸۵۱ UA
رده‌بندی دیویی	: ۳۵۳.۰۳۳۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۳۴۲۰۵

جایگاه سیاست در امنیت کیفری ایران

مؤلف: عباس جعفری دولت‌آبادی

ناشر: انتشارات فکرسازان

تیراژ: ۱۲۰ نسخه

تعداد صفحات: ۳۰۸ صفحه

نوبت چاپ: پیش چاپ اول

سال چاپ: ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۶۰-۱۸-۱

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی انتشارات: تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهید وحید نظری، بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، کوچه شهید قدیری، پلاک ۲۲، واحد ۴، تلفن: ۶۶۴۸۹۲۹۶ - ۶۶۴۹۶۰۷۶۰-۲۱

۱۱	دیباچه
----	--------

بخش نخست: نظریه‌های مربوط به امنیت و ابعاد امنیت

۲۷	فصل نخست: نظریه‌های مربوط به امنیت
۲۸	مبحث نخست: واقع گرایی
۳۲	مبحث دوم: آرمان گرایی
۳۴	مبحث سوم: لیبرالیسم
۴۱	فصل دوم: ابعاد امنیت
۴۷	مبحث نخست: امنیت سیاسی
۴۷	گفتار نخست: تعریف
۵۰	گفتار دوم: اصول و سیاست‌های کلی نظام سیاسی ایران
۵۰	الف) جمهوریت و اسلامیت
۵۲	ب) عدالت و امنیت
۵۲	۱. جایگاه و منزلت عدالت
۶۲	۲. تضمینات تحقق عدالت کیفری
۶۲	۱-۲. اصل برائت
۶۳	۲-۲. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها
۶۵	۳-۲. دادرسی منصفانه
۶۷	۳. تلازم آزادی با امنیت
۷۰	۴. تلازم آزادی با استقلال و تمامیت ارضی
۷۱	۵. سیاست پرهیز از جنگ و حمایت از صلح
۷۳	مبحث دوم: امنیت عمومی
۷۳	گفتار نخست: تعریف

۷۶	گفتار دوم: مصادیق
۷۶	الف) جان
۷۸	ب) مال
۷۹	ج) حیثیت
۸۰	د) بهداشت عمومی
۸۱	هـ) اموال عمومی
۸۲	و) محیط زیست
۸۴	ز) آسایش عمومی
۸۵	ح) نظم و روم
۸۵	۱. تعریف
۸۶	۲. قلمرو
۸۹	مبحث سوم: امنیت ملی
۹۲	گفتار دوم: منافع ملی
۹۵	مبحث چهارم: امنیت قضایی
۹۶	گفتار نخست: تعریف
۹۹	گفتار دوم: عناصر اصلی
۹۹	الف) حق دادخواهی
۹۹	ب) دادگاه صالح
۱۰۱	ج) تسریع در رسیدگی
۱۰۲	د) علنی بودن دادرسی
۱۰۵	هـ) حق دسترسی به وکیل
۱۰۶	و) حق امنیت بزه‌دیده و شهود
۱۰۸	ز) جبران خسارت بزه‌دیده
۱۰۹	ح) تساوی افراد در برابر قانون
۱۱۰	ط) حاکمیت قانون
۱۱۲	ی) استقلال قضایی
۱۱۵	مبحث پنجم: امنیت فردی (شخصی)
۱۱۹	گفتار نخست: تعریف
۱۲۲	گفتار دوم: مصادیق

۱۲۲	الف) مسکن و اقامتگاه.....
۱۲۶	ب) حریم خصوصی.....
۱۲۹	ج) وسیله‌ی نقلیه.....
۱۳۰	د) ارتباطات و مطبوعات.....
۱۳۳	هـ) اشتغال.....
۱۳۳	۱. امنیت شغلی در اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی.....
۱۳۵	۲. حقوق جمعی کار.....
۱۳۶	مبحث ششم: امنیت اجتماعی و انسانی.....
۱۳۶	گفتار نخست: تعریف امنیت اجتماعی.....
۱۳۸	گفتار دوم: تعریف امنیت انسانی.....
۱۴۰	گفتار سوم: تلخیص.....
۱۴۳	مبحث هفتم: امنیت اقتصادی.....
۱۴۳	گفتار نخست: تعریف.....
۱۴۵	گفتار دوم: اصول امنیت اقتصادی.....
۱۴۵	الف) پذیرش مالکیت خصوصی.....
۱۴۵	ب) پیشگیری از فساد و تنوع مجازات‌ها.....
۱۴۶	ج) برائت.....
۱۴۶	گفتار سوم: عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی.....

بخش دوم:

ارزیابی رویکرد سیاست کیفری ایران در قلمرو جرایم مربوط به امنیت

۱۵۲	فصل نخست: مرحله‌ی جرم‌انگاری.....
۱۵۳	مبحث نخست: مصادیق جرایم علیه امنیت.....
۱۵۳	گفتار نخست: جرایم علیه امنیت مردم.....
۱۵۳	الف) جرایم مستوجب حد.....
۱۶۰	ب) جرایم مستوجب تعزیر.....
۱۶۲	گفتار دوم: جرایم علیه امنیت دولت.....
۱۶۲	الف) جرم سیاسی و مصادیق آن.....

۱۶۶	۱. تبلیغ علیه نظام
۱۶۸	۲. شورش و نافرمانی
۱۷۳	۳. تشکیل دسته‌جات علیه امنیت کشور
۱۷۵	ب) جرایم خشونت‌بار
۱۷۵	۱. براندازی حکومت اسلامی
۱۷۶	۲. تروریسم
۱۷۶	۱-۲. پیشینه‌ی جرم‌انگاری تروریسم
۱۷۸	۲-۲. رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به جرم تروریسم
۱۸۳	ج) جاسوسی
۱۸۵	مبحث دوم: ویژگی‌های جرایم علیه امنیت در قوانین
۱۸۷	گفتار نخست: محاربه، دانه‌س جرایم علیه امنیت
۱۸۸	گفتار دوم: استفاده از ضابطه‌ها، مهم برای احراز جرم یا تعیین مجازات
۱۹۰	گفتار سوم: تمایل به ضابطه‌ی نسبی در تخصیص مصادیق عناوین مجرمانه
۱۹۱	گفتار چهارم: مطلق بودن جرایم علیه امنیت
۱۹۳	گفتار پنجم: پیش‌بینی جرایم مقید بدون ترتیب خاص
۱۹۴	گفتار ششم: جرم‌انگاری معاونت در جرم به عنوان جرم مستقل
۱۹۵	گفتار هفتم: جرم‌انگاری اندیشه‌ی مجرمانه و مقدمات ارتکاب جرم
۱۹۷	گفتار هشتم: شدت مجازات‌ها
۱۹۹	مبحث سوم: پاسخ‌های قانون‌گذار به جرایم علیه امنیت
۱۹۹	گفتار نخست: پاسخ‌های سالب حیات و تمامیت جسمانی
۲۰۳	گفتار دوم: پاسخ‌های سالب آزادی
۲۰۴	گفتار سوم: پاسخ‌های سالب حقوق اجتماعی
۲۰۵	مبحث چهارم: جرایم مرتبط با امنیت
۲۰۵	گفتار نخست: جرایم مرتبط با امنیت عمومی
۲۱۷	گفتار دوم: جرایم مرتبط با امنیت فردی
۲۲۰	گفتار سوم: جرایم مرتبط با امنیت اجتماعی
۲۲۶	گفتار چهارم: جرایم مرتبط با امنیت اقتصادی
۲۲۸	فصل دوم: مرحله‌ی رسیدگی به جرایم علیه امنیت
۲۲۹	مبحث نخست: مرحله‌ی کشف جرم

۲۲۹	گفتار نخست: انواع ضابطان
۲۲۹	الف) ضابطان عام
۲۳۰	ب) ضابطان خاص
۲۳۳	گفتار دوم: اختیارات ضابطان
۲۳۴	مبحث دوم: مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی
۲۳۷	گفتار نخست: شروع به تعقیب
۲۳۹	گفتار دوم: شنود
۲۴۱	گفتار سوم: جمع‌آوری ادله و قرائن و امارات وقوع جرم
۲۴۱	الف) تفتیش و بررسی از منازل و اماکن
۲۴۱	ب) جلب افراد در معاینات و تحقیقات محلی
۲۴۲	گفتار پنجم: تحقیق از متهم
۲۴۲	الف) احضار متهم
۲۴۳	ب) جلب بدون احضار
۲۴۴	ج) انتشار عکس متهم در رسانه‌ها
۲۴۶	گفتار ششم: عدم بهره‌مندی از وکیل
۲۴۷	گفتار هفتم: قرار تأمین کیفری
۲۴۸	گفتار هشتم: دادسرای ویژه
۲۴۹	مبحث سوم: دادرسی و دادگاه صالح
۲۵۸	مبحث چهارم: ویژگی‌های دادرسی در جرایم علیه امنیت
۲۵۸	گفتار نخست: غیر علنی بودن دادگاه
۱۶۱	گفتار دوم: احاله
۲۶۲	مبحث پنجم: محدودیت‌های زندانیان جرایم امنیتی
۲۶۲	گفتار نخست: فقدان طبقه‌بندی
۲۶۳	گفتار دوم: تماس با بستگان
۲۶۵	گفتار سوم: استفاده از مرخصی، عفو و آزادی مشروط
۲۶۶	گفتار چهارم: بازداشتگاه اختصاصی
۲۶۹	فصل سوم: مراجع سیاست‌گذار در جرایم علیه امنیت
۲۶۹	مبحث نخست: شورای عالی امنیت ملی
۲۶۹	گفتار نخست: ساختار

- گفتار دوم: وظایف ۲۷۰
- الف) تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی ۲۷۰
- ب) هماهنگ نمودن فعالیت‌ها ۲۷۰
- ج) بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی ۲۷۱
- مبحث دوم: شورای امنیت کشور ۲۷۱
- گفتار نخست: ساختار ۲۷۲
- گفتار دوم: وظایف ۲۷۳
- مبحث سوم: به‌رای تأمین استان ۲۷۴
- گفتار نخست: ساختار ۲۷۴
- گفتار دوم: وظایف ۲۷۵
- نتیجه‌گیری و پیشنهادها ۲۷۷
- فهرست منابع ۲۸۵

www.ketab

دیباچه

در طول بیست و شش سال خدمت قضایی خود، هیچ‌گاه به مقوله‌ی امنیت، ارتباط آن با امر قضا و تأثیر آن در این امور نیندیشیدم. با حضور در استان خوزستان، به عنوان رئیس کل دادگستری استان، خدمت در قضایی جدید را تجربه کردم. خوزستان یک استان مرزی است که در طول هشت سال جنگ تحمیلی، خط مقدم محسوب می‌گردد. علاوه بر آن، خصیصه‌ی مرزی بودن، همواره این استان را با ناآرامی‌های خاص این مناطق مواجه می‌ساخت. از دیگر سو، تنوع قومی و نژادی حاکم بر استان خوزستان، حضور اقوام عرب، فارس، لر و... چالش‌های قومی و فرهنگی را به دنبال داشته است. این چالش‌ها گاه برخاسته از تفکر تعارض منافع قوه‌هاست. این چالش‌ها گاه ناشی از فرهنگ‌های برای تفرقه افکنی و ایجاد اغتشاشات داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و گاه ناشی از فرهنگ‌های سنتی و درون قبیله‌ای است که به گونه‌ای دیگر موجد ناامنی است. استان خوزستان، علاوه بر مواجهه بودن با مسائل و مشکلات قضایی، با ناامنی‌های حاصل از عملکرد گروه‌های مجزیه‌طلب قومی گرا و گروهک‌های ضد انقلاب نیز روبه‌رو بود. به این عوامل، مشکلات ناشی از عدم گرفتن نظام عدالت کیفری و تمسک به دادگستری خصوصی که در فرهنگ‌های عشایر به ویژه عشایر عرب زبان دیده می‌شود را نیز باید افزود.

این عوامل موجب می‌گردید در این استان، بیشتر مباحث و دغدغه‌های مسئولین، حول محور ناامنی باشد و اتخاذ تصمیم‌ها نیز با رویکرد کاهش ناامنی صورت گیرد. این ویژگی تا حد زیادی توان مسئولان اجرایی و قضایی را به خود اختصاص می‌داد و کارکرد حقوق کیفری و رویه‌ی قضات تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گرفت.

موضوع این کتاب با درک و توجه به این امور انتخاب شد. این که حقوق کیفری که هدف اصلی آن

حمایت از آزادی‌های فردی و اجتماعی، ارزش‌های جامعه، تحقق عدالت و مبارزه با جرایم است، چگونه می‌تواند در چنین فضایی عملکردی صحیح داشته باشد و قضات به عنوان مجریان عدالت که رأی خود را باید بر قانون استوار سازند، چگونه می‌توانند تحت الزامات برخاسته از امنیت برای مسؤولان اجرایی، به دور از هیاهوی سیاسی و هیجانات عمومی، خدمت کنند، سوال‌هایی بود که برای پاسخ به آن‌ها، پرداختن به موضوع امنیت در گفتمان کیفری ایران را ضروری می‌ساخت.

امنیت به عنوان نیاز همه‌ی افراد و جوامع، همواره مورد توجه دولت‌ها و نهادهای کیفری است، اما در خصوص مفهوم، تعریف و ابعاد آن اختلاف‌نظر وجود دارد. واژه‌ی امنیت در طول زمان ثابت باقی مانده، اما مفهوم آن دگرگون گردیده است. مفهوم امنیت از منظر فلاسفه و اندیشمندان در گذشته تا عصر حاضر نشان‌دهنده‌ی تحول در این واژه به حدی بوده است که می‌توان از آن به عنوان انقلاب در مفهوم امنیت نام برد. امنیت نزد گذشتگان، اقتدار بی‌حد و حصر دولت‌مردان بود؛ تهدیدها نیز از طبیعت یا ورای مرزها نشأت می‌گرفت. در عصر حاضر، امنیت با بالا بودن سطح تفاهم و گفت‌وگو میان دولت‌مردان و مردم ارزیابی می‌شود. مشارکت مردم با محدود نمودن اقدامات دولت، به عنوان ضعف و ناتوانی دولت محسوب نمی‌شود و تعبیری، مهم‌ترین عامل تقویت امنیت ملی به شمار می‌آید. توسعه‌ی ابعاد امنیت از بُعد نظامی به ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره موجب شده است، در ارزیابی میزان امنیت یک کشور علاوه بر تهدیدهای نظامی، تأمین امنیت در حوزه‌های دیگر نیز ملاک ارزیابی قرار گیرد؛ به نحوی که می‌توان امنیت ارزش امنیت با لحاظ برخورداری مردم از امنیت و آسایش خاطر در همه‌ی عرصه‌ها ارزیابی می‌شود.

امروزه دولت‌ها در تأمین امنیت از راهکارهای متفاوتی استفاده از راهکارهای نظام عدالت کیفری بهره می‌گیرند. در مقایسه با سایر ارزش‌ها و نیازها، جایگاه امنیت، دیدگاه‌های متفاوتی را به خود اختصاص داده است؛ دولت‌ها نیز این نیازها را به یک درجه از اهمیت نمی‌دانند؛ رتبه‌ی تهدید را در مفهوم نظامی آن مورد توجه قرار داده و با پیش‌روی نظام عدالت کیفری به حمایت از آن برمی‌خیزند و برخی برقراری امنیت را از حوزه‌ی سیاسی، فراتر برده و برای امنیت از بُعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آن نیز برنامه‌ریزی می‌نمایند. پیش‌روی یا پس‌روی نظام عدالت کیفری در حوزه‌ی امنیت، با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورها، گفتمان‌های متفاوتی را به وجود آورده است. این تغییر گفتمان، در ایالات متحده آمریکا، پس از وقایع یازدهم سپتامبر به وضوح دیده می‌شود. لذا، راهکارهای نظام عدالت کیفری در حمایت از امنیت، یکی از مباحث مطرح در علم حقوق می‌باشد که ارتباط آن با علم سیاست را نمی‌توان نادیده گرفت. با شکل‌گیری دولت‌ها، تهدید نظامی به عنوان مهم‌ترین عامل مخل امنیت تلقی شد. پس از جنگ جهانی دوم، امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیست مورد توجه دولت‌ها قرار گرفت و اصطلاحاتی نظیر امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای و

امنیت جهانی، در ادبیات سیاسی و حقوقی وارد شد. نسبی بودن، ذهنی بودن و سیال بودن، به عنوان شاخصه‌ها و ویژگی‌های امنیت، موجب شده است تا تعریف امنیت، حسب زمان و مکان متفاوت گردد. نسبی بودن واژه‌ی امنیت از آن‌جا ناشی می‌شود که قدرت، به عنوان یکی از مبانی تحصیل امنیت، متغیر بوده و در هر جامعه‌ای نسبت به جامعه‌ی دیگر متفاوت است. تحقق امنیت برای افراد، گروه‌ها و دولت‌ها نسبی خواهد بود و با تغییر میزان قدرت و وجود تهدیدهای بالقوه و بالفعل، حتی قوی‌ترین دولت‌ها نیز امنیت مطلق ندارند.^۱ به بیان دیگر، هرگز یک فرد در معیار فردی، و نیز کشور در مقیاس کلان، نمی‌تواند مدعی برخورداری از امنیت صددرصد باشد، حتی اگر تمام عوامل، امکانات و توانایی‌های مادی و معنوی نیز به کار گرفته شوند.^۲ به واقع می‌توان گفت دست‌یابی به امنیت مطلق غیرممکن است. نسبی بودن امنیت در ناپایداری و ابهام‌آمیز بودن آن ریشه دارد و عواملی چون زمان، ایدئولوژی، اوضاع و احوال بین‌المللی، موقعیت کشور و دیدگاه رهبران در میزان امنیت و نحوه‌ی کسب آن تأثیر دارد.^۳

مؤلفه‌ی دیگر امنیت که در تعریف آن اثرگذار است، ذهنی بودن این مفهوم است؛ احساس امنیت، برداشتی ذهنی است که در اعتقادات، باورها، سنت‌ها و فرهنگ مردم یک سرزمین ریشه دارد و تعریف آن با ذهنیت، ادراک نهایی و مردم از آسیب‌پذیری و تهدید ارتباط داشته و از پیش‌فرض‌ها و تجربه‌های آنان نسبت به مقولات، مانع منافع و اهداف ملی ناشی می‌شود؛^۴ دلیل آن به چهار امر باز می‌گردد:

- الف) میزان اعتباری که نخبگان و تصمیم‌گیرندگان هر کشور برای نیروهای تهدیدکننده قائل می‌شوند؛
 ب) میزان ارتباطی که می‌توان با عامل و یا عوامل تهدید، برقرار نمود؛
 ج) میزان توانایی خودی در مقابله با دیگری (تهدید)؛
 د) میزان و درجه‌ی اعتبار، فوریت، اولویت و منافع مورد تهدید.^۵
- اصولاً امنیت، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است؛ به این معنی که، باید بر ذهن مردم، دولت‌مردان و زمامداران این اطمینان به وجود آید که برای ادامه‌ی زندگی بدون عذر، و حرد امنیت ضروری

۱. علی ربیعی، مطالعات امنیت ملی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۷

۲. شهلا کاظمی پور، «جمعیت و امنیت ملی»، مجموعه مقالات توسعه و امنیت عمومی، جلد دوم، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی ناجا، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۷۵

۳. سید حسین سیف‌زاده، معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۴۴

۴. محمدرضا تاجیک، «مدخلی بر مفاهیم و دگرترین‌های امنیت ملی»، مجموعه مقالات توسعه و امنیت عمومی، جلد دوم، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی ناجا، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۵۱

است.^۱ بر همین اساس «صرف اعتماد و اطمینان به وجود امنیت در جامعه، امید به آینده و اعتماد به نفس ایجاد می‌کند»^۲ یکی از نتایج و آثار ذهنی بودن امنیت، ایجاد ترس و در نتیجه توسل به قوه قهریه برای پیشبرد سیاست‌های داخلی و خارجی موردنظر دولت است.^۳ به تعبیر دیگر وقتی کشوری در یک نقطه از سرزمین خود فاقد امنیت است، این وضعیت در تمام شوون و ارکان دیگر کشور اثر می‌گذارد.^۴

هم‌چنین مفهوم امنیت به تناسب شرایط و تحولات زمانی و مکانی متغیر است؛ از این امر به سیال بودن تعبیر می‌شود. برای نمونه، در گذشته، تهدید نظامی، وجه غالب تهدیدهای امنیتی تلقی می‌شد؛ در حالی که، «روزه، امنیت، چند بُعدی است؛ با کاهش اهمیت مرزهای سرزمینی (خاکی، آبی و هوایی)، تهدید علیه هویت و فرهنگ واجد اهمیت شده است. بنابراین، باید بر این باور بود که مفهوم امنیت در کشورها و زمان‌های مختلف متفاوت است؛ به نحوی که، برای تأمین امنیت در دو کشور، نمی‌توان نسخه‌ی واحدی تجریز کرد، بلکه، باید شرایط تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر یک از کشورها را لحاظ نمود».

سیال بودن مفهوم امنیت، به «رگرگی»^۵ آن یعنی ذهنی بودن (برتری ابعاد احساسی بر ابعاد عینی امنیت)، نسبی بودن (تحول معنا و مصداق امنیت برای بازی‌گران در شرایط مختلف)، نسبیت (عدم نیل به یک معنای قطعی از امنیت، توسل به یک بازی‌گر در شرایط خاص) بازمی‌گردد.^۶

با توجه به تعاریف متعدد از امنیت در علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و حقوق، در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این تعاریف را به دو دسته‌ی سلبی و ایجابی تقسیم کرد. در تعاریف سلبی از امنیت، بر فقدان تهدید تأکید می‌شود. به‌طور مثال، در تعریف آن «توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود»^۷ و یا «فقدان خط نسبت به جان و مال و عرض و حقوق آحاد ناس در جامعه»^۸. همچنین گفته شده است: «امنیت در مفهوم وسیع، فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های اکتسابی است»^۹.

۱. همان، ص ۷۵

۲. علی اصغر کاظمی، روابط بین‌الملل در ثنوری و عمل، تهران، نشر قومس، چاپ پنجم، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳

۳. هوشنگ عامری، اصول روابط بین‌الملل، تهران، نشر آگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۳۳۸

۴. علی اصغر کاظمی، پیشین، ص ۱۱۸

۵. اصغر افتخاری، «امنیت عمومی به مثابه فرهنگ»، فصل‌نامه‌ی امنیت عمومی، شماره‌ی اول، ۱۳۸۵، ص ۳۰

۶. جلیل روشندل، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۱۱

۷. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، تهران، کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۸، ص ۶۴۱

۸. محمد ترابی، «ساختار نظام بین‌الملل و امنیت ملی با تأکید بر جهان سوم»، فصل‌نامه‌ی علوم سیاسی، شماره‌ی ۹، ۱۳۷۹، ص ۶۴۱

با وجود آن که، در تعاریف ایجابی از امنیت، فقدان تهدید شرط لازم است، اما کافی نیست؛ مطابق این دیدگاه برای تحقق شرایط امن، علاوه بر فقدان تهدید باید فاصله‌ی میان مردم و حکومت به حداقل برسد و مردم نظام سیاسی را مشروع بدانند.^۱

در تعریف ایجابی امنیت آمده است: «امنیت عبارت از شرایط مطمئنی است که ناظر به زیست و بقای مستمر، شرایط و وضعیت اکولوژیک سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی لازم برای کلیه افراد و گروه‌های هویتی و نیز کره زمین و همه موجودات آن به منظور تأمین نیازهای آنان و زندگی توأم با هارمونی و هماهنگی با آن است».^۲

با توجه به تعریف یاد شده، مقصود مقنن از واژه‌ی امنیت و مشتقات آن، نظیر بر هم خوردن امنیت ملی، امنیت عمومی، امنیت سیاسی و امنیت اجتماعی، در قوانین کیفری اعم از ماهوی و شکلی مشخص نیست. استنباط قضات از مفهوم امنیت در رویه‌ی قضایی تأثیرگذار است؛ هم‌چنان که، برخی آرای وحدت رویه‌ی هیأت عمومی دیوان عالی کشور، با تأثیر از این مفهوم، شکل گرفته‌اند.^۳

در اصول سوم، شصت و نه و یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۴، واژه‌ی امنیت به کار گرفته شده، بدون آن که تعریفی از آن ارائه شود. به موجب بند چهاردهم اصل سوم این قانون، «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی در برابر قانون»، از جمله وظایف دولت، اعلام شده است؛ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور آغاز شده است.^۵ این قانون، هرکسی را که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه می‌برد، محارب و مفسد فی الارض می‌داند؛

ص ۱۸۰

۱. اصغر افتخاری، «صورت‌بندی امنیت ملی در حوزه فقه سیاسی»، فصل‌نامه‌ی «موسسه‌ی سیاسی»، شماره‌ی ۲۳، ۱۳۸۵، ص ۲۸۸.
۲. علی کریمی، «سامانه مفهومی امنیت بر اساس تئوری نیاز انسانی»، فصل‌نامه‌ی «امنیت عمومی»، شماره‌ی اول، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴.
۳. رای وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۵۴۱-۱۳۶۹/۱۰/۴: «ورود دسته جمعی و مسلح به عنف در مجتمع مسکونی مردم و سرقت اموال با تهدید و ارعاب و وحشت، از جمله جرایمی است که نظم جامعه و امنیت عمومی را مختل می‌کند و رسیدگی به آن بر طبق بند یک ماده واحده قانون مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی است...» (ر.ک: مجموعه آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ سوم، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰۰).
۴. اصل سوم قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران، موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ... ۱- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی در برابر قانون ...»؛ اصل شصت و نهم قانون اساسی: «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عمومی منتشر شود. در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود...»؛ اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی: «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور با وظایف زیر تشکیل می‌شود: ۱- تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری ۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی...»

ماده‌ی ۱۸۵ قانون مذکور، مقرر می‌کند که هر سارق مسلح و قطاع‌الطریقی که با اسلحه، امنیت مردم یا جاده را بر هم زده و رعب و وحشت ایجاد کند، محارب است. ماده‌ی ۲۰۸ این قانون، فردی را که مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته باشد یا شاکی داشته، اما از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اختلال در نظم جامعه یا خوف شود که اثر ناامنی است، مستوجب حبس تعزیری دانسته است.

در قانون مذکور در موارد متعدد، از اصطلاح «امنیت» و عبارات مشتمل بر این اصطلاح مانند «امنیت کشور» (مواد ۴۹۸، ۵۰۵، ۵۱۱، ۵۱۲)؛ «امنیت ملی» (ماده‌ی ۵۰۲)؛ «برهم زدن امنیت ملی» (ماده‌ی ۵۱۰)؛ «امنیت داخلی و خارجی» (مواد ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰ و ۶۱۰)؛ «اختلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصاد یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی» (ماده‌ی ۵۲۶)؛ «امنیت جامعه» (مواد

۱. «هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود».
۲. «هرکس با هدف بر هم زدن امنیت کشور به وسیله اطلاعات تهدیدی شده را یا پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت یا به هر نحو دیگر جمع‌آوری کند، چنانچه بخواهد آن را در اختیار دشمن قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود».
۳. «هرکس به قصد بر هم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تهدید به سب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید یا ادعا نماید که وسایل مزبور بمب‌گذاری شده است، علاوه بر مجازات در ارتداد به دولت و اشخاص به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد».
۴. «هرکس مردم را به قصد بر هم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر را با ترسان کند، صرف نظر از این که موجب قتل و غارت بشود یا نشود، به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد».
۵. «هرکس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاری می‌شود، به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید، به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد».
۶. «هرکس به قصد بر هم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسی را که مأمور تفتیش یا وار کردن هرگونه لطمه به کشور بوده‌اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آن‌ها شود، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود».
۷. «هرکس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و ... محکوم خواهد شد».
۸. «هرکس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود، به مجازات اششد همان جرم محکوم می‌گردد».
۹. «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تئانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور مرتکب شوند، محکوم خواهند شد».
۱۰. «هرکس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی... را به قصد اختلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا بر هم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید... محکوم می‌شود».

۱۶۱۲ و ۱۶۱۴) و «اخلال در نظم و آسایش و آرامش عمومی» (ماده‌ی ۶۱۸) و «اخلال در نظم و امنیت عمومی» (ماده‌ی ۶۸۷) استفاده شده است. همچنین در مواد متعددی از قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، واژه‌ی امنیت و مشتقات آن مانند امنیت جامعه (ماده‌ی ۵۱۸)؛ امنیت کشور (ماده‌ی ۱۹)؛ اسرار امنیتی (ماده‌ی ۲۴)؛ امنیت ملی (ماده‌ی ۲۵) و به هم خوردن امنیت کشور (ماده‌ی ۲۴) استفاده شده است.

به موجب تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است، ممنوع می‌باشد؛ طبق تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۸ این قانون «... در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود»؛ همچنین در ماده‌ی ۶۴ قانون مذکور، یکی از موارد تجویز احاله «حفظ نظم و امنیت» تعیین شده است.

۱. «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد... در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم جری مرتکب یا دیگران گردد... محکوم می‌نماید».
۲. «هر کس به دیگری جرح یا ضرری وارد نماید و شاکی نداشته باشد... در صورتی که قصاص امکان نداشته باشد، چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم جری مرتکب یا دیگران گردد... محکوم می‌شود».
۳. «هر کس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر عارفانه یا غیر اخلاقی موجب اخلال در نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد... محکوم خواهد شد».
۴. «هر کس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی... را به قصد انحراف در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا بر هم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید یا با علم به مجرمانه بودن استفاده کند، چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود، به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود».
۵. «هر یک از اشخاص مذکور در ماده ۱۷ قبل از کشف توطئه و دستگیری توبه نماید و خبر را به مأموران معرفی کند و اطلاعاتش را در اختیار بگذارد، به نحوی که توبه وی در دادگاه محرز شود حد محاربه از او ساقط شده و بنابر اقدام مرتکب موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم جری وی یا دیگران گردد، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد...».
۶. «هر نظامی که به منظور بر هم زدن امنیت کشور (ایجاد رعب، آشوب و قتل)، جمعیتی یا سازمانی را تشکیل دهد یا اداره کند، چنانچه محارب شناخته نشود، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد...».
۷. «افراد زیر جاسوس محسوب و به مجازات‌های ذیل محکوم می‌شوند: ... ج- هر نظامی که اسرار نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و یا صنعتی مربوط به نیروهای مسلح را به دشمنان داخلی یا خارجی یا بیگانگان یا منابع آنان تسلیم و یا آنان را از مفاد آن آگاه سازد، به مجازات محارب محکوم خواهد شد...».
۸. «منظور از دشمن عبارت است از: آشراق، گروه‌ها و دولت‌هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده و یا قصد براندازی آن را دارند و یا اقدامات آنان بر ضد امنیت ملی است. تبصره: ...».
۹. «هر یک از فرماندهان یا مسؤولان نظامی، بدون امر یا اجازه یا بدون این که به اقدام متقابل وادار شده باشد، علیه نیروهای نظامی یا اتباع دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد، مسلحانه حمله یا عده‌ای را وادار به حمله نماید یا با نیروی تحت فرماندهی خود در اراضی دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد، مرتکب عملیات خصمانه شود، هرگاه اقدامات فوق موجب اخلال در امنیت داخلی و خارجی کشور گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود».